

خدمت رسانی در سیره و گفتار امیرالمؤمنین علیه السلام

<?xml encoding="UTF-8">

مقدمه مقصود از «الگو» و «اسوه» پذیري حالي است که انسان به هنگام پيروي از غير خود پيدا مي کند. فردي که از او پيروي مي شود، ممکن است اسوه نیک یا بد باشد. در قرآن کریم، گاه به صراحت و گاه بدون تصریح، به پيروي از کسي سفارش مي کند. از جمله حضرت ابراهيم عليه السلام الگو معرفي شده است: «قد کانت لکم اسوة حسنة في ابراهيم والذين معه» (ممتحنه: 4)؛ قطعاً براي شما در (پيروي از) ابراهيم و کسانی که با او پند، سرمشقي نیکوست.

در مورد پیامبر اکرم صلي الله عليه و آله نیز مي فرمايد: «لقد کان لکم في رسول الله اسوة حسنة لمن کان يرجوا الله و اليوم الآخر و ذکر الله كثيرا» (احزاب: 21)؛ براي شما در (زندگي) رسول خدا الگوي نیکوبي است، براي آن ها که اميد به رحمت خدا و روز رستاخيز دارند و خدا را بسيار ياد مي کنند.

امام علي عليه السلام؛ الگوي خدمت رسانی تاريخ و شرح حال بزرگان عالم و شخصيت هاي آسماني براي هرکس بهترين سرمشق و عالي ترين الگوي زندگي است. در اين ميان، شرح زندگي امام اميرالمؤمنين عليه السلام، دومين شخصيت جهان انسانيت، از اهميت خاصي برخوردار است؛ چه اين که بررسي زندگاني ايشان روح فضيلت، پاكي، ايمان، تقوا، فداکاري، استقامت، شجاعت، فتوت، و پيروي از حق را در خواننده تقويت مي کند. پیامبر اکرم صلي الله عليه و آله در شأن امام علي عليه السلام مي فرمايد: «ما عَرَفَکَ حقٌ معرفتکَ غيرُ الله و غيري»؛ (1) غير از خدا و من هيچ کس ديگري حق معرفت تو را نشناخت. آري، ابعاد گوناگون آن شخصيت بي همتا، قابل وصف و شمارش نيستند. يکي از ابعاد زندگاني آن بزرگوار، خدمت رسانی و توجه به نیازمندان است. آن حضرت در اين راه يک لحظه آرام نداشت و در اين راه، تمامي سعي و تلاش خويش را به کار مي برد و ديگران را نيز بدین امر مهم تشويق مي نمود.

برنامه زندگي پیامبر اکرم صلي الله عليه و آله از زبان امام علي عليه السلام يکي از برنامه هاي زندگي رسول خدا صلي الله عليه و آله رسيدگي به کارها و گرفتاري هاي مسلمانان بود. آن حضرت در برآوردن حاجت مردم کوشش بسيار داشت.

امام حسين عليه السلام مي گويد: از پدرم درباره امور داخلي زندگاني پیامبر صلي الله عليه و آله پرسيدم. امام علي عليه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلي الله عليه و آله وقت خود را در خانه به سه بخش تقسيم مي کرد: بخشي براي عبادت خداوند و بخشي براي انجام کارهاي خانواده و بخشي براي خودش. از بخش ويژه خود، قسمتي را به مردم اختصاص مي داد و عام و خاص را مي پذيرفت و چيزي از آنان مضايقه نداشت. در اين مورد، اهل فضل و تقوا را بر ديگران ترجيح مي داد و نيازهاي ايشان را برمي آورد. برخي يک حاجت، برخي دو حاجت و برخي چند حاجت داشتند. پیامبر صلي الله عليه و آله سرگرم پاسخ دادن و برآوردن نيازهاي ايشان مي شد و در اين هنگام، مسائلي را که به صلاح ايشان و عموم مسلمانان بود، مطرح مي کرد و مي فرمود:

«حاضران به افراد غایب ابلاغ نمایند و نیاز اشخاصی را که به من دست رسی ندارند، بیان کنند و هر کس نیاز نیازمندی را به صاحب قدرتی برساند که خود او نتواند بیان کند، خداوند در قیامت او را پایدار و استوار فرماید.» در محضر آن حضرت، چیزی جز این صحبت نمی شد و از هیچ کس موضوع دیگری پذیرفته نمی شد. معمولاً گروه گروه برای کسب فیض به حضورش می آمدند و در حالی بیرون می رفتند که کامشان از شهد علم شیرین شده، خود راهنمای دیگران می شدند. (2)

آری، روش زندگی پیامبر اکرم و اهل بیت او علیهم السلام، گره گشایی و نیکی و احسان بود. آنان عقیده داشتند که خوش حال کردن برادر مسلمان و برآوردن نیازهای گرفتاران، از مهم ترین کارهای خیر است. سیره اجتماعی آن بزرگواران نشان می دهد که آنان هرگز در پاسخ مشروع نیازمندان و رفع ستم از ستم دیدگان مسامحه ای به خود راه نمی دادند و پیروان خویش را نیز به کارگشایی و برآوردن حاجت برادر مؤمن تشویق و ترغیب می کردند. (3) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «من قضي لاختيه المؤمن حاجة كان كمن عبد الله دهرا»؛ (4) هر کس یک حاجت برادر خود را برآورد، چنان است که در همه روزگار خدا را عبادت کرده است. از امام جعفر صادق علیه السلام نیز روایت شده است: «من قضي لاختيه المؤمن حاجة قضى الله عز وجل له يوم القيامة مائة ألف حاجة من ذلك؛ أولها الجنة»؛ (5) هر کس حاجتی از برادر مؤمن خود برآورد، خدای تعالی در روز قیامت صد هزار حاجت او را برآورده سازد، که یکی از آن ها داخل کردن او به بهشت است.

خدمت رسانی در اسلام احسان، نیکوکاری و خدمت رسانی در اسلام حد و مرزی ندارد؛ از انسان ها گذشته، حیوان ها را نیز در برمی گیرد. احسان و خدمت به هموعان، ویژه گروه مخصوصی نیست؛ هر کس باشد مسلمان یا غیر مسلمان، همه باید از خدمات بهره مند گردند. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد: چه کسی نزد خداوند محبوب تر است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آن که نفعش به انسان ها بیش تر برسد.» (6)

همچنین در گفتار پیر ارج پیامبر بزرگ صلی الله علیه و آله می خوانیم: «برترین اعمال از نظر خداوند، خنک ساختن دل های سوخته تشنگان و سیر کردن شکم های گرسنه است. سوگند به آن که هستی محمد در اختیار اوست، به من ایمان نیاورده آن که سیر بخوابد و برادر مسلمان یا همسایه اش گرسنه باشد.» (7) این حقیقت که اسلام در خدمت رسانی و خدمات اجتماعی، نیکی به همه انسان ها را سفارش می کند، با عبارات گوناگون در گفتار پیشوایان بزرگ اسلام به چشم می خورد؛ از جمله در روایتی از پیشوای ششم امام صادق علیه السلام به این مطلب اشاره شده و آن را در ردیف مهم ترین کارها آورده است. آن حضرت فرمودند: «سه عمل است که هر کس یکی از آن ها را انجام دهد، خداوند بهشت را برای او لازم شمرده است: بخشش به هنگام تنگ دستی، گشاده رویی با تمام مردم جهان، و احترام به حقوق مردم.» (8)

این واقعیت را امام صادق علیه السلام از قول پروردگار بزرگ، در جایی دیگر چنین بیان فرموده است: «مخلوق عیال و روزی خواران من هستند؛ محبوب ترین آن ها از نظر من کسی است که برای برآوردن نیازهای آنان سعی بیش تری کند و نسبت به آنان مهربان تر باشد.» (9)

در این جا، نامی از مسلمان در میان نیست، بلکه فقط «مخلوق» به کار برده شده که حتی ممکن است به غیر «انسان ها» نیز توسعه یابد.

در خدمت رسانی و خدمات اجتماعی اسلام، به جنبه های روانی نیز توجه فراوان شده است. اسلام تنها به جسم

نپرداخته، بلکه «خدمات روانی» را نیز لازم شمرده شده است. برای نمونه، می توان از «مسرور ساختن افراد و شاد کردن دل آنان» یاد کرد، تا آن جا که باب مخصوصی در این زمینه در کتاب های حدیث به نام : «بابُ ادخالِ السُّرورِ علی المؤمنین» وارد شده است. در همین زمینه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند : «همانا محبوب ترین اعمال نزد خداوند، شادمان ساختن مؤمنان است.» (10)

اهمیت تأمین اجتماعی در اسلام مسائل مربوط به «تأمین نیازمندی های اجتماعی» در آیات قرآن، احادیث و فقه اسلامی ابعاد گسترده ای دارد که احاطه بر آنچه از طریق شرع در این مورد وارد شده، کار آسانی نیست. اسلام از چهارده قرن قبل، رسیدگی و مراقبت از بیماران، اسیران، حمایت از زندانیان و زنان بی سرپرست و زنان باردار و کودکان، به ویژه کودکان استثنایی، را مطرح کرده و در این مورد اصول و کلیاتی را وارد نظام اجتماعی خود کرده است. این اصول به قدری دلپذیر و اعجاب انگیزند که گویی آورنده شریعت از وضع کنونی جوامع کاملاً آگاه بوده و این همه دستورها و تکالیف را برای انسانی آورده است که بر اثر تکیه بر «ماشین» و رشد تمایلات مادی، عواطف او کم فروغ گشته، جز به «من» و متعلقات آن نمی اندیشد.

اسلام نه تنها درباره موضوعات یاد شده به بحث و بررسی پرداخته، بلکه درباره اهمیت کار و کوشش، موقعیت کارگر، نکوهش از بی کاری و بی کاران، دعوت به تأمین غذای عمومی، انفاق در راه خدا، بازداشتن گدایان از گدایی، تأمین مسکن آوارگان و پوشاک برهنگان، حمایت از مستمندان، سالمندان، خانواده های بی سرپرست، در راه ماندگان، یتیمان، بیماران، معلولان، محرومان، خانواده های مصیبت زده و شهدا و ده ها موضوع دیگر، که همگی شاخه های مسأله «تأمین نیازمندی های اجتماعی» می باشند، قوانین و مقرراتی وضع نموده و از این طریق خواسته است به استضعاف، ناتوانی و محرومیت این گروه ها پایان دهد، یا از شدت و تندی آن بکاهد. (11)

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پیرمرد نابینایی را دیدند که در گوشه ای نشسته و گدایی می کند. حضرت از کسانی که در اطراف او بودند، پرسیدند : این کیست؟ گفتند : نصرانی است. حضرت فرمودند : «وقتی که جوان بود او را به کار گماردید؛ حال که پیر و ناتوان شده، او را رها کرده و از حق مشروعش بازداشته اید؛ از بیت المال به او بپردازید!» (12)

سیره و عمل امیرالمؤمنین علیه السلام در خدمت رسانی در این جا، به طور خلاصه به بخشی از خدمات اجتماعی و خدمت رسانی به مردم، که در زندگی پر برکت امام امیرالمؤمنین علیه السلام مشاهده شده است، اشاره می شود. این خدمت رسانی ها در ابعاد و شکل های گوناگون متبلور شده اند؛ از جمله :

1. انفاق، احسان و نیکوکاری

امام امیرالمؤمنین علیه السلام پیوسته از فقیران و یتیمان دست گیری می کردند. روح انفاق گری آن حضرت، چه در زمان محرومیت از خلافت و چه در دوران بازگشت به خلافت، لحظه ای آرام نگرفت. آن بزرگوار دفاع از مستمندان و کمک به بینوایان را به جایی رسانده بودند که به پرداخت حقوق بی چارگان از بیت المال قناعت نمی کردند، بلکه از مخارج شبانه روزی خود کم می گذاشتند و در راه خدا انفاق می کردند؛ شخصا برای بیگانگان کار می کردند و حاصل دست رنج خود را به ستم دیدگان می دادند.

ابن ابی الحدید درباره آن حضرت می نویسد : «علی روزها روزه می گرفت و خوراک خود را به دیگران می داد و با

دست خویش نخلستان های بعضی از یهود را آب یاری می کرد. دست هایش در اثر آب کشی آبله می زد، اما درآمد خود را به مستمندان می داد.» (13)

در شأن آن حضرت، همان بس که آیه ذیل درباره او نازل شد، آن هنگام که انگشتی خود را در نماز به سائل داد : «أَمَّا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: 55)؛ سرپرست و رهبر شما تنها خداست و پیامبر او و آن ها که ایمان آورده اند و نماز به پا می دارند و در حال رکوع، زکات (صدقه) می پردازند.

در این باره ابوذر غفاری می گوید : «ای مردم، روزی از روزها با رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نماز می خواندم، سائلی وارد شد و از مردم تقاضای کمک کرد، ولی هیچ کس چیزی به او نداد. او دست خود را به آسمان بلند کرد و گفت : خدایا! تو شاهد باش که من در مسجد رسول تو تقاضای کمک کردم، ولی کسی جواب مساعد به من نداد. در همین حال، علی علیه السلام که در حال رکوع بود، با انگشت کوچک دست راست خود اشاره کرد. سائل نزدیک آمد و انگشت را از دست آن حضرت بیرون کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در حال نماز بود، این ماجرا را مشاهده کرد. هنگامی که از نماز فارغ شد، سر به سوی آسمان بلند کرد و چنین گفت : خداوندا! برادرم موسی از تو تقاضا کرد روح او را وسیع گردانی و کارها را بر او آسان سازی و گره از زبان او بگشایی تا مردم گفتارش را درک کنند؛ و نیز موسی درخواست کرد هارون را که برادرش بود وزیر یا یورش قرار دهی و به وسیله او نیرویش را زیاد کنی و در کارهایش شریک سازی. خداوندا! من محمد پیامبر و برگزیده توام، سینه مرا گشاده کن و کارها را بر من آسان ساز. از خاندانم علی را وزیر من گردان تا به وسیله او پُشتم قوی و محکم گردد.» ابوذر می گوید : «هنوز دعای پیامبر صلی الله علیه و آله پایان نیافته بود که جبرئیل نازل شد و به پیامبر گفت : بخوان! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : چه بخوانم؟ گفت : بخوان : «أَمَّا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ.» (14)

2. درخت کاری و کشاورزی

یکی از مشاغل امام علی علیه السلام در عصر رسالت و پس از آن، کشاورزی و درخت کاری بود که بسیاری از خدمات و انفاق های خود را از این طریق انجام می داد و املاک زیادی را وقف می کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید : «كَانَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَضْرِبُ بِالْمَرْوَةِ وَيَسْتَخْرِجُ الْأَرْضِينَ»؛ (15) امیرالمؤمنین بیل می زد و نعمت های نهفته در دل زمین ها را استخراج می کرد.

مردی می گوید : «در خدمت امام علی علیه السلام یک وَسَق هسته خرما دیدیم. (هر وسق شصت صاع و هر صاع تقریباً سه کیلوگرم است. بنابراین، هر وسق قریب 180 کیلوگرم است.) گفتیم : منظور از گردآوری این همه هسته خرما چیست؟

آن حضرت فرمود : این ها یکصد هزار درخت خرماست، اگر خدا بخواهد. وی گوید : آن حضرت همه آن ها را کاشت و تمام هسته ها بدون استثنا روییدند و باغستانی از آن ها ترتیب داد و همه را وقف کرد. (16)

3. آزادی بردگان

آزادسازی بردگان از مستحباتی است که در اسلام بر آن تأکید و بدان سفارش فراوانی شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند : «هرکس بنده مؤمنی آزاد کند، خداوند عزیز جبار در برابر هر عضوی از آن بنده، عضوی از

شخص آزادکننده را از آتش جهنم آزاد می سازد.» (17)

امام امیرالمؤمنین علیه السلام در این موضوع از پیشگام ترین افراد بوده و از حاصل دست رنج خود و نه از بیت المال هزار بنده خرید و در راه خدا آزاد ساخت. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید : «اِنَّهُ اعْتَقَ الْفَ مَمْلُوكٍ مِنْ كَدِّ يَدِهِ»؛ (18) همانا علی علیه السلام هزار بنده از دست رنج خود آزاد ساخت.

4. احداث قنات

در منطقه ای مانند عربستان، که دارای هوای گرم و سوزان و کم آب است، اهمیت ایجاد قنات و تأمین آب آشامیدنی و کشاورزی اهمیت بسیار دارد. سرزمین هایی که بدون جنگ و خون ریزی در اختیار مسلمانان قرار می گیرند، بخشی از انفال هستند که مربوط به مقام نبوت می باشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باید از آن ها به نفع اسلام و مسلمانان استفاده کند. این زمین ها برای امور کشاورزی و حفر قنات به کار می روند.

امام صادق علیه السلام می فرماید : «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زمینی را در اختیار علی علیه السلام گذاشت. امام در آن جا چشمه ای استخراج کرد که آب از آن مانند گردن شتر، فواره می زد. امام علیه السلام نام آن جا را «یَنْبُع» گذاشت.

فوران آب مایه امید اهالی شد. یک نفر از اهالی مژده فوران آب را به امام علی علیه السلام داد. امام فرمود : «به وارثان مژده دهید که این آب وقف زائران خانه خدا و رهگذرانی است که از این جا عبور می کنند و کسی حق فروش آن را ندارد و نیز هیچ کس را در آن حق ارث و بخشش نیست و هرکس آن را بفروشد، یا به کسی ببخشد، لعنت خداوند و ملائکه و مردم، همه بر او باد!» (19)

این مکان هم اکنون به نام «بئر علی» در راه مدینه به مکه، در منطقه «جعران» معروف است.

5. ساخت مساجد

امیرالمؤمنین علیه السلام مساجدی بنا کرد، که برخی از آن ها عبارتند از : مسجدی در کنار مسجد الفتح در مدینه؛ مسجدی در کنار قبر حضرت حمزه علیه السلام ، مسجدی در میقات، مسجدی در کوفه و مسجدی در بصره. (20)

6. موقوفات یا باقیات الصالحات

موقوفات و صورت وقف نامه های امیرالمؤمنین علیه السلام در کتاب های حدیث و تاریخ به تفصیل آمده اند. (21) در اهمیت این موقوفات کافی است بدانیم که طبق نقل مورخان، درآمد سالیانه آن ها چهل هزار دینار بوده که همه آن ها به نفع بینوایان و نیازمندان مصرف می شد. با وجود این درآمد سرشار، گاهی امام علی علیه السلام مجبور می شدند برای هزینه زندگی خویش، شمشیر خود را بفروشند. (22)

امام علیه السلام در محله «بنی زریق» واقع در مدینه، خانه ای بنا و آن را وقف خاله های خود کردند و در ضمن، شرط کردند اگر نسل آنان منقرض شود، این خانه در اختیار مسلمانان بی بضاعت قرار گیرد. ترجمه وقف نامه حضرت چنین است : «بسم الله الرحمن الرحيم. این خانه را علی بن ابی طالب در حالی که زنده و سالم است، وقف کرده. خانه ای که در محله بنی زریق واقع شده است، وقف باشد؛ فروخته نشود، بخشش نگردد، تا خداوندی که آسمان ها و زمین را به ارث می برد، آن را به ارث ببرد. [کنایه از وقف تا روز قیامت] در این خانه

وقفی، خاله های علی و بازماندگان علی زندگی خواهند کرد. وقتی نسل آن ها منقرض شد، این خانه در اختیار مسلمانان بی بضاعت قرار می گیرد.» (23)

در عصر گذشته و عصر کنونی، مسأله «وقف» ارزش و اهمیت خود را از دست نداده است و از این رهگذر، می توان طبق مقتضیات روز، در پیشرفت تعلیم و تربیت مسلمانان و تأمین نیازمندی های مادی و معنوی و رفع بسیاری از گرفتاری ها و سختی ها از آن استفاده کرد. از آن رو که اصل مال وقفی، همیشه یا مدتی طولانی ثابت باقی می ماند، امیرالمؤمنین علیه السلام با وقف اموال خود، در راه تأمین نیازمندی های جامعه مسلمانان می کوشید.

امیرالمؤمنین علیه السلام پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله در عصر خلفا، که ایشان را از مقام رهبری کنار زدند، بیش تر به امور کشاورزی اشتغال داشتند. آن حضرت با زحمات و تلاش های خود، چندین باغ و چندین چشمه و مزرعه احداث و نوسازی کردند و از دست رنج خود هزار بنده خریدند و آزاد ساختند.

امام علی علیه السلام نگه داری و سرپرستی دو چشمه و باغ را به «ابونیزر»، فرزند نجاشی، شاه حبشه سپردند. نام یکی از آن ها «باغ ابونیزر» و نام دیگری «باغ بُغیْبُغَه» بود.

ابونیزر می گوید : «من در باغ بودم، امام علی علیه السلام وارد باغ شد و فرمود : آیا غذا نزد تو هست؟ عرض کردم : با کدویی که از این باغ به دست آمده است و روغن، غذایی آماده ساخته ام. فرمود : آن غذا را بیاور، بخوریم. من برای آماده ساختن غذا برخاستم، آن حضرت نیز برخاست و کنار آب چشمه رفت و دست خود را شست. سپس متوجه شد که دستش به خوبی شسته نشده است. به کنار نهر آب بازگشت و با آب و ماسه تمیز، دست خود را کاملاً تمیز شست. سپس با دو کف دست از آب آن آشامید و به من فرمود : کف دست ها تمیزترین ظرف هاست.

سپس آن حضرت کلنگ را به دست گرفت و داخل چاه چشمه شد و به لایروبی قنات پرداخت. در حالی که عرق از پیشانی اش می ریخت، از چاه بیرون آمد و بار دیگر به داخل چاه رفت و همچنان به لایروبی چاه پرداخت. هنگام گلنگ زدن به زمین چاه، صدای مهممه آن حضرت به بیرون چاه می رسید. آن قنات را به گونه ای پاک سازی کرد که به اندازه گردن شتر آب آن زیاد شد. سپس با شتاب از چاه بیرون آمد و فرمود : خدا را گواه می گیرم که این چشمه و باغ را وقف کردم! آن گاه به من فرمود : دوات و کاغذ بیاور. من با شتاب رفتم و قلم و دوات و کاغذ تهیه کردم و به حضور آن حضرت آوردم. آن حضرت وقف نامه را چنین نوشت : بسم الله الرحمن الرحیم. این دو باغ را بنده خدا، علی امیرمؤمنان، وقف کرد. نام این دو باغ، «ابونیزر» و «بُغیْبُغَه» است، تا محصول آن وقف فقراي مردم مدینه و مسافران درمانده شود، تا با وقف این دو باغ، علی چهره اش را از گرمای آتش دوزخ و قیامت حفظ کند. این دو باغ فروخته نشوند و به کسی بخشیده نشوند تا خداوند، که خیرالوارثین است، آن را به ارث ببرد [یعنی تا قیامت وقف باشد]، مگر آن که حسن و حسین به این دو باغ نیازمند گردند. این دو باغ برای حسن و حسین، نه برای دیگران طلق و آزاد باشد.»

نقل شده است : امام حسین علیه السلام مقروض شد. معاویه دویست هزار دینار برای امام حسین علیه السلام فرستاد که چشمه ابونیزر را به دویست هزار دینار بفروشد. امام حسین علیه السلام قبول نکردند و فرمودند : «پدرم این دو چشمه و باغ را وقف کرده است تا صورتش در قیامت از حرارت آتش دوزخ محفوظ بماند. بنابراین، آن را به هیچ قیمتی نمی فروشم.» (24)

7. وقف چاه در منطقه سَمُرَه

نیز از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود : «رسول خدا صلی الله علیه و آله به همراه گروهی از سربازانش [از محل خود] خارج شدند. گروهی از دشمن در نزدیکی ینبع با حضرت برخورد کردند هوا به شدت گرم بود تا این که به منطقه "سمره" رسیدند. پس از آن، جنگ در گرفت و پیروزی نصیب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سربازانش شد و زمین هایی به عنوان غنیمت به مسلمانان رسید. در تقسیم بندی زمین های غنیمتی از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله ، مکان سَمُرَه نصیب علی علیه السلام شد....

امام امیرالمؤمنین علیه السلام به دو غلام خود دستور حفر چاه داد. چاه حفر شد و آب از آن فوران کرد. در این هنگام، شخصی بشارت گویان خبر این قضیه را برای امیرالمؤمنین علیه السلام آورد. پس حضرت آن را وقف کرد و وقف نامه را این گونه نوشت : "این چاه به خاطر خداوند، وقف است برای روزی که چهره عده ای سفید و چهره برخی دیگر سیاه است، تا این که خداوند صورت مرا از آتش محفوظ بدارد؛ وقفی قطعی و جدایی از اموال، در راه خدای متعال، برای افراد دور و نزدیک، در صلح و جنگ و برای یتیمان و فقرا و غلام ها."» (25)

عدالت و دادخواهی امیرالمؤمنین علیه السلام پس از شهادت حضرت علی علیه السلام ، یک روز سُوده، دختر عمّار بر معاویه وارد شد. معاویه سوده را سرزنش کرد؛ چون او در جنگ صفین به نفع سپاه حضرت علی علیه السلام فعالیت و تلاش فراوانی انجام می داد. آن گاه معاویه از سوده پرسید : برای چه این جا آمده ای؟ سوده گفت : ای معاویه، خدا تو را به سلب حقوق واجب ما بازخواست خواهد کرد. تو پیوسته فرماندارانی بر ما گسیل می داری که محصولات کشاورزی ما را درو می کنند و می برند و مرگ را به ما می چشانند. اینک این بُسر بن اوطاة، فرستاده توست که مردان ما را می کشد و اموال ما را می برد. اگر نمی خواستیم از حکومت مرکزی پی روی کنیم، خود اکنون دارنده عزّت و قدرت بودیم؛ اگر او را معزول کنی چه بهتر، و گرنه ما خود قیام خواهیم کرد... معاویه برآشفّت و گفت : مرا به قبیله خویش می ترسانی. تو را با بدترین حالت نزد همان بُسر می فرستم تا هرچه با تو روا می داند، انجام دهد.

سوده اندکی خاموش ماند؛ گویی در ذهن خود خاطره هایی به شکوه گذشته را می کاود. آن گاه این شعرها را خواند : «درود خداوند بر آن روان، که در گور خفت و با مرگ او عدالت و دادگری به خاک سپرده شد. او هم پیمان حق و راستی بود و حق را با هیچ چیز عوض نمی کرد؛ حق و ایمان در او یک جا فراهم آمده بود.» معاویه پرسید : این چه کسی است؟

سوده پاسخ داد : حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام . به یاد دارم که نزد او رفتم و می خواستم از مأمور جمع آوری زکات شکایت کنم؛ آن گاه رسیدم که او به نماز برمی خاست. اما تا مرا دید به نماز مشغول نشد و با رویی گشاده و مهربان فرمود : آیا حاجتی داری؟ گفتم : آری، و شکایت خود را عرض کردم. آن گرامی همچنان که بر آستانه نماز خویش ایستاده بود، گریست و آن گاه به خداوند گفت : "خدایا، تو آگاه و شاهد باش که من هرگز فرمان ندادم که او (آن مأمور) به بندگان ستم کند"، و بی درنگ قطعه پوستی درآورد و پس از نام خدا و آیه ای از قرآن، چنین نوشت : "... آن گاه که نامه ام را خواندی، دست و بالت را جمع کن تا کسی را بفرستم آن ها از تو تحویل بگیرد..."»

و نامه را به من داد. سوگند به خداوند، که نه آن را بست و نه مُهر کرد؛ نامه را به آن مأمور دادم و او معزول گردید و از نزد ما رفت.

معاویه پس از شنیدن این داستان، ناگزیر فرمان داد که : هرچه می خواهد برای او بنویسید.

اندوه امیرمؤمنان علیه السلام از ستم به زنان اهل کتاب سفیان بن عوف، از تیره «بنی غامد» از طرف معاویه مأمور حمله به مرزهای عراق، کشتن انسان ها و غارت اموال مردم عراق شد. معاویه به سفیان گفت : این غارت ها چشم عراقیان طرفدار علی را می ترساند و دوستان ما را شاد می دارد. سربازان سفیان در حمله به شهر «انبار»، حاکم این شهر را که نماینده امام علی علیه السلام بود، به قتل رسانده و اموال مردم مسلمان، از جمله گردنبد، دستبند، گوشواره و خلخال زنان اهل کتاب (اهل معاهده) را به غارت بردند. وقتی خبر به امام علی علیه السلام رسید، ضمن خطبه ای برای یاران خود فرمود : «اگر مرد مسلمان، از غم چنین حادثه بمیرد، چه جای ملامت است، که در دیده من شایسته چنین کرامت است.» (26)

کلام امیرالمؤمنین علیه السلام درباره خدمت رسانی در این جا، به اختصار به بخشی از سخنان پرارزش حضرت علی علیه السلام اشاره می شود که درباره خدمت رسانی، نیکوکاری و برآوردن نیاز دیگران وارد شده است :

1. حق مخلوقین

امام علی علیه السلام در بخشی از نامه اش به مالک اشتر می فرماید : «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته اند : یا برادر دینی تواند، و یا همانند تو انسان هستند.» (27)

باید توجه داشت که فرمان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر، در زمانی صادر شد که تعداد مسلمانان در کشور مصر ناچیز بود، چند سال پیش تر از فتح مصر به دست سپاه اسلام نمی گذشت و طبعاً در این چند سال، تنها عده قلیلی اسلام را پذیرفته بودند و اکثریت مردم هنوز مسیحی بودند. مالک اشتر فرمانروای ملتی شده بود که به تبعیت سیاسی حکومت اسلامی درآمده بودند، ولی اکثریت آن ها مسیحی و اقلیت مسلمان بودند. بسیار جالب است در فرمانی که برای اداره چنین کشوری صادر شده، امام علی علیه السلام چنان به مراعات حداکثر مصالح و منافع عمومی مردم مصر دستور می دهند که گویی در میان آنان حتی یک مسلمان وجود ندارد. (28)

2. حق افراد ضعیف جامعه

افراد مستمند و کم درآمد مورد توجه امیرالمؤمنین علیه السلام بودند و پیوسته در فرمایش های خویش و بخصوص به کارگزاران خود توصیه اکید می نمودند که مواظب آنان باشند و زمینه رهایی آنان از تهی دستی و فقر را فراهم سازند. از این رو، در بخشی از نامه خویش به مالک اشتر چنین می فرمایند : «سپس خدا را در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره ای ندارند، از زمین گیران، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان (در نظر بگیر). همانا در این طبقه محروم، گروهی خویشان داری می کنند و گروهی به گدایی دست نیاز برمی دارند. پس برای خدا، پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین نموده است. بخشی از بیت المال و بخشی از غله های زمین های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده؛ زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک ترین آنان، سهمی مساوی وجود دارد و تو مسؤول رعایت آن هستی.

مبادا سرمستی حکومت، تو را از رسیدگی به آنان بازدارد، که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم عذری برای ترک مسئولیت های کوچک تر نخواهد بود. همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی برمگردان، به ویژه به امور کسانی از آنان بیش تر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی آیند و دیگران آنان را کوچک می شمارند و کم تر به تو دست رسی دارند.» (29)

3. ارزش نیکوکاری

آن حضرت در نهج البلاغه در ارزش کار نیک و عمل پسندیده چنین می فرماید : «کار نیک به جا آورد و آن را هر مقدار که باشد کوچک نشمارید، زیرا کوچک آن بزرگ، و اندک آن فراوان است، و کسی از شما نگوید که دیگری در انجام کار نیک از من سزاوارتر است! گرچه سوگند به خدا که چنین است. خوب و بد را طرفدارانی است که هرگاه هر کدام از آن دو را واگذارید، انجامشان خواهند داد.» (30)

4. سفارش در مورد یتیمان

«خدا را خدا را درباره یتیمان (در نظر بگیرید.) نکند آنان گاهی سیر و گاهی گرسنه بمانند و حقوقشان ضایع گردد!» (31)

5. سفارش در مورد همسایه

«خدا را خدا را درباره همسایگان (در نظر بگیرید.) حقوقشان را رعایت کنید که وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله شماست. همواره به خوش رفتاری با همسایگان سفارش می کرد تا آن جا که گمان بردیم برای آنان ارثی معین خواهد کرد.» (32)

خدمت رسانی و مسئولیت کارمندان و کارگزاران دولت سال 1382 از سوی مقام معظم رهبری «سال خدمت رسانی» اعلام شده است. این نام گذاری اهمیت خدمت رسانی به ملت شریف ایران را می رساند. از سوی دیگر، از طرف دولت جمهوری اسلامی، طرح «تکریم ارباب رجوع» مطرح گردیده است. این نام گذاری و طرح اخیر از جهات ذیل قابل توجه است :

1. ملت ایران ملتی شریف، صبور و شایسته خدمت هستند؛ ملتی که انقلاب را به وجود آوردند و در برهه های گوناگون مانند : توطئه ها، کودتا و جنگ عراق علیه ایران از آن حفظ و نگه داری کردند. بنابراین، هرگونه کوتاهی در خدمت رسانی به این مردم، خیانت به اسلام، مقدّسات دینی و ارزش های انقلاب است و کارشکنی و ایجاد بدبینی در میان ارباب رجوع، گناهی نابخشودنی.
2. علی رغم تأکید مقامات جمهوری اسلامی بر خدمت رسانی، برخی نارضایتی ها از ادارات و دستگاه های دولتی مشاهده می شوند، و در مواردی، وجود فساد، رشوه، استفاده شخصی از امکانات و اموال دولتی، کم کاری و اتلاف اموال بیت المال موجبات ناراحتی مردم را فراهم می آورند.

اکنون با وجود این مشکلات، چه راه کاری وجود دارد؟ در وهله اول، ضرورت دارد که همه افراد، بخصوص کسانی که با امکانات و اموال بیت المال سر و کار دارند، متوجه مسئولیت الهی خویش در حفظ و حراست از بیت المال

باشند. در این میان، آموزش های لازم و انجام فعالیت های فرهنگی در گسترش فرهنگ خدمت رسانی و حفظ و حراست از اموال بیت المال کارسازند. روشن است که عده ای از سر ناآگاهی و نه به عمد و تقصیر، رفتار شایسته ای با ارباب رجوع ندارند و یا اموال دولتی و بیت المال را در موارد ناصحیح مصرف می کنند.

در وهله دوم، لازم است سازمان های بازرسی مسؤولیت نظارتی خویش را با قاطعیت انجام دهند، از افراد مطمئن و دلسوز برای کسب خبر استفاده کنند، هرگاه با موارد تخلف برخورد کردند، با متخلف برخورد قاطع نمایند تا درسی برای دیگر خطاکاران باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در موارد متعددی، عده ای از کارگزاران و مسؤولان حکومت خویش را به دلیل سوء مدیریت، آزار مردم و بی توجهی به فقرا مورد توبیخ و سرزنش قرار دادند و یا آن ها را از کار برکنار ساختند. یکی از راه های کسب خبر، گزارش هایی بود که از سوی مردم به امیرالمؤمنین علیه السلام می رسید و در موارد متعددی، عده ای از افراد مطمئن و ناشناس از سوی حضرت به عنوان «عین» یا «جاسوس» تعیین شده بودند. در تاریخ، هیچ گاه نامی از این افراد بیان نشده است. به هر حال، آن بزرگوار هرگاه از موارد تخلف آگاهی پیدا می کردند، به صراحت اقدام لازم را مبذول می داشتند؛ در مواردی به تذکر کتبی و اخطار، در قالب امر به معروف و نهی از منکر بسنده می کردند و در مواردی دیگر، شخص خطاکار را بلافاصله از کار برکنار می ساختند. برای مثال، وقتی برای حضرت خبر آوردند که عثمان بن حنیف، یکی از کارگزاران حکومت، بر سر سفره اغنیا و اشراف نشسته است، امام علیه السلام، نامه توبیخی و هشداردهنده ای برای این کارگزار حکومت ارسال داشتند: «ای پسر حنیف! به من گزارش دادند که مردی از سرمایه داران بصره تو را به مهمانی خویش فرا خوانده و تو به سرعت به سوی آن شتافته ای؛ خوردنی های رنگارنگ برای تو آورده اند و کاسه های پر از غذا پی در پی جلوی تو نهاده اند. گمان نمی کردم مهمانی مردی را بپذیری که نیازمندانشان با ستم محروم شده و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده اند. اندیشه کن در کجایی! و بر سر کدام سفره می خوری?... آگاه باش! امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است. بدانید که شما توانایی چنین کاری ندارید، اما با پرهیزگاری و تلاش فراوان و پاک دامنی و راستی، مرا یاری دهید. پس سوگند به خدا! من از دنیای شما طلا و نقره ای نیندوخته و از غنیمت های آن چیزی ذخیره نکرده ام؛ بر دو جامه کهنه ام جامه ای نیفزوده ام، و از زمین دنیا، حتی یک وجب، در اختیار نگرفته ام و دنیای شما در چشم من، از دانه تلخ درخت بلوط ناچیزتر است!» (33)

امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی از طریق زنی به نام سوده شنید که عامل جمع آوری زکات به مردم ظلم می کند و بر آنان سخت گیری می کند، فوراً نامه ای نوشتند و او را از کار برکنار کردند و نامه را به سوده دادند تا به دست او برساند.

مسأله کسب خبر از سوی افراد مطمئن، آن قدر اهمیت دارد که حضرت علی علیه السلام وقتی مالک اشتر را به عنوان فرماندار مصر به آن دیار روانه ساختند، در نامه 53 نهج البلاغه، منشور حکومتی برای او ترسیم کردند و در بخشی از نامه خود، به نصب «عین» یا «جاسوس» دستور دادند. همه این مسائل اهمیت نظارت و دقت بر عملکرد

مسؤولان را روشن می سازد.

- 1 محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج 39، ص 84.
- 2 محمدعلي كريمي نيا، تربيت اجتماعي، ص 166.
- 3 تربيت اجتماعي، ص 165.
- 4 بحارالانوار، ج 93، ص 383.
- 5 محمدبن يعقوب كليني، اصول كافي، ج 2، ص 192.
- 6 «سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ : مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.» (اصول كافي، باب «الاهتمام بامور المسلمين»، ج 7)
- 7 قال رسول الله صلى الله عليه وآله : «مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ إِبْرَادُ الْكَبَادِ الْحَارَةِ، وَاشْبَاعُ الْكَبَادِ الْجَائِعَةِ، وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَا يُؤْمِنُ بِي عَبْدٌ يَبِيتُ شَبْعَانَ وَآخُوهُ (أَوْ قَالَ جَارَهُ) الْمُسْلِمَ جَائِعًا.» (شيخ عباس قمي، سفينة البحار، ج 1، ماده «جوع».)
- 8 ابواب «احكام العشرة» : قال الصادق عليه السلام : «ثَلَاثٌ مَنْ أَتَى بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ : الْإِنْفَاقُ بِالْإِقْتَارِ وَ الْبُشْرُ بِجَمِيعِ الْعَالَمِ، وَ الْإِنْصَافُ مِنْ نَفْسِهِ.» (شيخ حرّ عاملي، وسائل الشيعه، ج 6، ص 107).
- 9 قال الصادق عليه السلام : «... الْخُلُقُ عِيَالِي فَأَحَبَّهُمْ إِلَيَّ الْطِفْهُمُ بِهِمْ وَاسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ.» (اصول كافي، ج 2، باب «السعي في حاجة المؤمن»، حديث 10)
- 10 همان، ج 2، باب ادخال السرور، حديث 4.
- 11 مالک محمودي و ابراهيم بهادري، زيرنظر آية الله جعفر سبحاني، تأمين اجتماعي در اسلام، تهران، مسجد الغدير، 1365، ص 8.
- 12 وسائل الشيعه، ج 11، ابواب «جهاد العدو»، باب 11، حديث 19.
- 13 به نقل از مصطفى زمني، اسلام و خدمات اجتماعي، پيام اسلام، 1348، ص 189.
- 14 ناصر مكارم شيرازي و ديگران، تفسير نمونه، ج 4، ص 422.
- 15 بحارالانوار، ج 41، ص 37.
- 16 همان، ج 41، ص 34.
- 17 و 18 محمدبن يعقوب كليني، روضه كافي، ج 2، ص 181.
- 19 وسائل الشيعه، ج 13، ص 303، باب 6 از ابواب «الوقوف و الصدقات»، حديث 2.
- 20 سيدابراهيم حسيني سعدي، علي آينه حق نما، ج 2، ص 191.
- 21 در مورد موقوفات و وقف نامه هاي اميرالمؤمنين عليه السلام ، ر.ك : وسائل الشيعه، ج 13، ص 293 323 / نهج البلاغه، نامه 24.
- 22 و قال فيه : «أَنَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ وَقَفَ أَمْوَالَهُ وَ كَانَتْ غُلَّتُهُ أَرْبَعِينَ أَلْفَ دِينَارٍ وَ بَاعَ سَيْفَهُ.» (بحارالانوار، ج 41، ص 43).
- 23 وسائل الشيعه، ج 13، ص 304، باب 6 از ابواب «الوقوف و الصدقات»، حديث 6.
- 24 محمد محمدي اشتهازي، داستان دوستان، ج 4، ص 123، به نقل از معجم البلدان، ج 4، ص 76.
- 25 محمد محمدي ري شهري، ميزان الحكمه، ج 10، ص 614.
- 26 نهج البلاغه، ترجمه سيدجعفر شهيدي، خطبه 27، صفحات 27، 28 و 457.
- 27 همان، نامه 53.

28 محمد مجتهد شبستري، مكتب اسلام، سال 8، ش 5، ص 49.

29 نهج البلاغه، نامه 53.

30 نهج البلاغه، حكمت 422.

31 و 32 همان، نامه 47.

33 همان، نامه 45.